

سیاست



سوغات الگوی اکثریتی برای انتخابات

در نظام انتخاباتی اکثریتی فرد یا گروهی که بیشترین رأی را از مردم به دست بیاورند، برنده انتخابات هستند. موضوعی که شاید بدیهی به نظر برسد اما انتخابات ملی را شبیه به یک مسابقه ورزشی می‌کند. مسابقه‌ای هیجانی که برنده و بازنده دارد. برنده مغرور می‌شود و بازنده سرخورده و احتمالاً طرفداران هر گروه هم برای یک دیگر کُری خوانی می‌کنند!

برای مثال در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۹۴ در شهر تهران، فهرست اصلاح‌طلبان برنده مسابقه بود و در انتخابات ۹۸، فهرست اصولگرایان. در حالی که در هیچ دوره‌ای افراد رأی دهنده در شهر تهران تماماً اصلاح‌طلب یا اصولگرا نبودند بلکه ترکیبی از جریان‌های سیاسی بودند. اما فرمول انتخاباتی ما هیچ‌گاه نتوانست این تنوع‌ها را نشان دهد. موضوعی که در سایر شهرهای بزرگ و مراکز استان که چند نماینده دارد نیز به چشم می‌خورد.

این در حالی که پیش از این گفتیم کارکرد مهم انتخابات، مبدل بودن است و باید بتواند واقعیت میدان را به عرصه سیاست‌ورزی تبدیل کند. پس نامزدهای پیروز نماینده همه مردم نیستند. بلکه نماینده بخشی از مردم هستند که ممکن است در واقعیت اکثریت هم نداشته باشند. اشکال دیگر این وضعیت به طیف بازنده برمی‌گردد. یعنی گروه بازنده اگرچه پای صندوق رأی حضور داشتند اما هیچ‌سهمی از کرسی‌ها را نتوانستند به دست آورند و دست خالی و سرخورده از پای صندوق رأی به خانه برمی‌گردند تا دوره انتخابات بعدی.

اما هر الگوی انتخاباتی، مجموعی از ویژگی‌های مثبت و منفی کنار یکدیگر است. از حق نگذیریم الگوی اکثریتی هم ویژگی مثبت کم ندارد اما به شرط آنکه آن ویژگی‌های مثبت به کار بسته شود. برای مثال یکی از نکات مثبت این الگو، ارتباط نزدیک مردم با نماینده یا نامزد انتخاباتی است. چون این شکل انتخابات برعکس بقیه الگوهای انتخاباتی بر پایه اشخاص برگزار می‌شود، نه گروه‌ها.

و همین موضوع باعث ارتباط افراد رأی دهنده با نماینده منتخبشان می‌شود. ولی این اتفاق صرفاً در شهرهای کوچک با جمعیت پایین اتفاق می‌افتد. یعنی جایی که مردم شهر از بین نامزدهای انتخاباتی یک یا دو نفر را به عنوان نماینده انتخاب و راهی بهارستان می‌کنند. اما این وضعیت در شهرهای بزرگ و مراکز استان که فهرستی از نامزدها به نمایندگی از مردم شهر راهی بهارستان می‌شوند، متفاوت است. مثال آن شهر تهران است که با داشتن ۳۰ کرسی در بهارستان ارتباط بسیار کمی میان مردم و نماینده وجود دارد.

ای انتخاباتی به وسعت ایران

سارا عاقلی

دبیر گروه سیاست

اصولگرا داریم و در دوره‌ای دیگر مجلسی اصلاح طلب. در حالی که ترکیبی از همه باید در هر دوره مجلس حضور داشته باشند تا خانه ملت، خانه همه ملت باشد.

در ادبیات حقوقی از ویژگی مبدل بودن انتخابات، تحت عنوان فرمول انتخاباتی یاد می‌شود. فرمول‌های این فرمول‌ها استفاده قرار می‌گیرد. برای محاسبه توزیع کرسی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فرمول‌های انتخاباتی هستند که تعیین می‌کنند فرد یا افرادی پیروز می‌شوند که بیشترین رأی (اکثریت) را آورده باشند یا هر گروه از شرکت‌کنندگان به تناسب آرای که کسب کردند صاحب درصدی از کرسی‌ها خواهند شد و یا هر دو حالت. و این شروع بحث انتخابات است. نحوه حساب کتاب فرد یا گروه پیروز، نظام‌های انتخاباتی پارلمانی را به سه دسته کلی اکثریتی، تناسبی و مختلط تقسیم می‌کند. دسته‌هایی که هر یک زیرشاخه‌های فراوانی دارد و در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم.

نظام انتخاباتی مختلط

نظام انتخاباتی مختلط همانگونه که از نامش پیداست نتیجه ترکیب الگوهای انتخاباتی است. ترکیبی از دو الگوی اصلی اکثریتی و تناسبی. هر دو الگو را هم می‌زنند تا معجون بهتری حاصل شود! یعنی قدری از ویژگی‌های مثبت اکثریتی که ارتباط مردم با نماینده است را با ویژگی مهم تناسبی که عدالت محسوب می‌شود در هم می‌آمیزند تا از مزایای هر دو مدل استفاده شود.

تا از طرفی ویژگی‌های منفی هر دو الگو به حداقل برسد. طوری که شهرهای کوچک از ویژگی مثبت اکثریتی که همان ارتباط تاتنگ با نماینده است بهره‌مند شود و شهرهای بزرگ و چند نماینده هم از ویژگی قابل توجه تناسبی که همان دربرگیری تنوع سلیق سیاسی است.

حال حاضر در انتخابات پارلمانی دو چار نقصان است.

مثل یک چتر که برای یک نفر یک چتر کوچک و جمع‌وجور کارساز است. اما وقتی آن فرد تشکیل خانواده داد و تعداد افراد بیشتری با او همراه شدند، باید از چتری بزرگتر استفاده کند تا همه را پوشش دهد. مثل ما و انتخابات مجلس هم مثل همین چتر است که باید آن را بزرگ کنیم تا همه خانواده ایران در زیر آن جا شویم تا کسی که این خانه و خانواده را قبول دارد، سرش بدون چتر نماند!

نحوه برگزاری انتخابات در کشور ما به گونه‌ای است که تنوع اقوام، استان‌ها و حتی ادیان را تا حد خوبی درون خود جای می‌دهد و شامل می‌شود. همه شهرهای کوچک و بزرگ در کشور ما در خانه ملت، نماینده دارند. اغلب اوقات همین نمایندگان پل ارتباطی مردم در سراسر کشور با حاکمیت مرکزی هستند. اما در این بین یکی از اشکال تنوع نادیده گرفته می‌شود. به عبارت بهتر ما در یک دوره مجلس

اوضاع چند چند است. حتی در برخی نظام‌های انتخاباتی، مشاغل و اصناف یکی از گونه‌های دسته‌بندی ارسال نماینده به مجلس است. به این صورت که صنف پزشکان بسته به گستردگی‌شان تعدادی نماینده به مجلس می‌فرستند، معلم‌ها تعدادی، کارگران تعدادی و ... حالتی که البته اشکالات خاص خودش را دارد و در کشور ما نیز در حال حاضر اجرا نمی‌شود.

اما فارغ از حالت‌های مختلف این مهم‌ترین وظیفه انتخابات مجلس است که بتواند تنوع یک ملت را تبدیل به کرسی نمایندگی کند و در مجلس جای دهد. ویژگی‌ای که به آن «مبدل بودن» می‌گوییم. انتخابات یک تبدیل‌کننده است که باید بتواند واقعیت موجود را تبدیل به عرصه سیاست کند. هرچه نسبت واقعیت موجود با کرسی‌های نمایندگی نزدیک‌تر باشد، یعنی انتخابات بهتر و عادلانه‌تری داریم که دامنه بیشتری از اقشار یک جامعه را در خود جای می‌دهد. ویژگی‌ای که در

داشته باشد، اسم یک فرد را در آن بنویسیم یا اسم گروه سیاسی اش را، اینکه به افراد رأی دهیم یا احزاب، آراء چگونه شمرده شود؛ طوری که صاحب بیشترین آراء پیروز میدان باشد یا به شکلی دیگر. همه این موارد از اجزای یک نظام انتخاباتی است که هر کشوری با توجه به نیاز و بافت سیاسی-اجتماعی خود، آن را طراحی و اجرا می‌کند.

در بین همه انتخابات‌هایی که برگزار می‌شود، انتخابات مجلس اهمیت بیشتری دارد. چون قرار است مجلس و افرادش تجلی مردم‌سالاری دینی در کشورمان باشند. یعنی جلوه‌ای از تنوع و گوناگونی قومی، استانی، دینی، جنسیتی و سیاسی در رأس حاکمیت. بر همین مبنا است که مذاهب و ادیان رسمی کشور در بهارستان کرسی دارند و از طرف دیگر شهرها از کوچکشان گرفته تا بزرگ نماینده انتخاب می‌کنند و به مجلس می‌فرستند. برای تناسب نماینده خانم و آقا هم در هر دوره چرتکه انداخته می‌شود تا ببینیم

فرمول انتخاباتی چیست و چگونه می‌تواند سرنوشت انتخابات را تغییر دهد؟!؟

ما هر دو سال یک بار در انتخابات شرکت می‌کنیم. از انتخاب رئیس‌جمهور و نماینده مجلس گرفته تا اعضای مجلس خبرگان و شورای شهر و حتی اعضای شورایی‌ها. انتخابی‌گاه در مقیاس کشور و گاهی در مقیاس شهر و محله. صندوق رأی مهمترین چهره مردم‌سالاری است، جایی که انتخاب کارگزار به شهروند سپرده می‌شود. اما این همه داستان انتخابات نیست. انتخابات داستانی پیچیده‌تر از صندوق رأی دارد. داستان پیچیده‌تری که نحوه رأی دادن ما را تعیین می‌کند و در ادبیات حقوقی به آن قانون انتخابات و نظام انتخابات می‌گویند.

همه اتفاقاتی که در روز رأی‌گیری می‌افتد در یک دسته‌بندی کلی «نظام انتخاباتی» نامیده می‌شود. دسته‌ای که اجزای مختلفی دارد. از جمله اینکه برکه رأی که در دستمان قرار می‌گیرد چه شکل و شمایل



انتخابات یک مبدل است که باید بتواند واقعیت موجود را تبدیل به عرصه سیاست کند. هرچه نسبت واقعیت موجود با کرسی‌های نمایندگی نزدیک‌تر باشد، یعنی انتخابات بهتر و عادلانه‌تری داریم که دامنه بیشتری از اقشار یک جامعه را در خود جای می‌دهد

نظام انتخاباتی اکثریتی

این نوع نظام انتخاباتی، بر ساده‌ترین درک از انتخابات به معنی کسب بیشترین آراء استوار است. یعنی هر کسی بیشترین آراء را کسب کند، پیروز انتخابات است. دیگر کاندیداها هرچند میزان آراء زیادی کسب کرده باشند اما چون به نسبت اولین نفر یا نفرات، میزان رأی کمتری به دست آوردند از رسیدن به کرسی قدرت باز می‌مانند و شکست می‌خورند. اما این مدل در اثر گذر زمان همین قدر ساده باقی‌مانده و رفته‌رفته براساس اینکه یک یا چند نفر انتخاب شوند، در یک یا دو یا چند مرحله انتخاب شوند و چه میزان نصابی برای پیروزی لازم است گوناگون و پیچیده شده است.

نظام انتخاباتی تناسبی

الگوی تناسبی مهمترین رقیب اکثریتی است. مبنای این نظام انتخابی گروه‌ها هستند و نه افراد. به عبارتی گروه‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند و خود را در معرض رأی مردم قرار می‌دهند. شکل تعیین برنده نیز با الگوی اکثریتی به کلی متفاوت است. هر گروهی که در انتخابات شرکت کرده به اندازه درصدی توانسته رأی جمع کند، صاحب کرسی می‌شود. برای مثال اگر اصلاح‌طلبان در انتخابات ۹۸ در تهران ۶۰ درصد آراء کل را به دست آوردند، ۶۰ درصد کرسی‌های تهران یعنی حدود ۱۹ کرسی را به دست می‌آورند. نه ۱۰۰ درصد آن را. بدین ترتیب مفهوم «برنده‌بازنده» در انتخابات تغییر می‌کند و همه شرکت‌کنندگان بر اساس اقبال مردم در خانه ملت سهم می‌شوند. به همین خاطر مهمترین ویژگی این نوع نظام انتخاباتی «عدالت» است.